

محمد معین

محمد معین فرزند معین العلماء در سال ۱۲۹۳ شمسی در رشت در یک خانواده روحانی متولد شد. پدرش شیخ الولقاسم و همچنین مادرش در شش سالگی او فوت کردند، به همین جهت تحت تعلیم و تربیت پدر بزرگش (که مرد دانشمندی بود) قرار گرفت که از روحانیون معروف بود. پس از پایان تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل در دارالفنون به تهران آمد و به تحصیل در دانشکده ادبیات پرداخت و دانشنامه دکترای خود را در سال ۱۳۲۱ دریافت کرد. رساله خود را به زبان فرانسه نوشت. دکتر معین از چند دانشگاه خارجی درجه دکترای افتخاری داشت و عضو فرهنگستان ایران شد که ریاستش با ذکاءالملک فروغی بود. ریاست کمیسیون ادبیات سمینار جهانی تاریخ و فرهنگ ایران را بر عهده داشت. در سمینار بین المللی (سومر) دانشگاه هاروارد و کمیته مجموعه کتبه های ایران و کمیته تالیف فرهنگ پهلوی و انجمن خاورشناسان پاریس و انجمن فلسفی عضویت داشت. دکتر معین حدود ۲۳ جلد کتاب تالیف کرد. از فعالیت های پر اهمیت وی همکاری با علامه دهخدا و تنظیم فیش های چاپ نشده بعد از فوت دهخدا میباشد.

وی همچنین طبق وصیت نیما یوشیج بررسی آثار او را برعهده گرفت. از جمله تالیفات با ارزش وی "فرهنگ معین" در ۶ جلد است که از منابع معتبر واژگان زبان فارسی است. دکتر معین که سرآمد فضایی ایران معاصر بود به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عربی و آلمانی تسلط کامل داشت و زبان های پهلوی اوستایی و فارسی باستان و بعضی لهجه های محلی را خوب می دانست.

دکتر معین به علت کارهای زیاد مطالعاتی و تحقیقی در سال ۱۳۴۵ در یکی از اتاق های دانشکده ادبیات بیهوش شد و به زمین افتاد و به حال اغماء فرو رفت. برای معالجه او اقدامات زیادی شد و او را به کشورهای مختلف بردند. اما سرانجام پس از چهار سال و پنج ماه که در حالت اغماء بود در ۵۷ سالگی در ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ از دنیا رفت. و در آستانه اشرفیه گیلان دفن شد.

دکتر معین از همکاران نزدیک علامه دهخدا بود. خود او نقل کرده که وقتی برای همکاری با علامه دهخدا انتخاب شدم، علامه قزوینی به من گفت کار کردن با دهخدا ظاهراً طاقت فرساست و باید قسم بخوری که هیچگاه از تند خوئی استاد رنجش به دل نگیری و قطع همکاری نکنید. من هم قول دادم. دو هفته قبل از فوت دهخدا ماجرا را به دهخدا گفتم، پاسخ گفت: « لغت نامه دیگر

ماه من نیست. نیمی از آن به استاد علامه قزوینی تعلق دارد». حدود هشتاد جلد از مجلدات دهخدا زیر نظر دکتر معین بود.

چگونگی بیهوشی دکتر معین

دکتر معین در آبان ماه ۱۳۴۵ پس از برگزاری کنگره ایران شناسان در تهران، از طرف دولت مامور شد که به ترکیه برود و در آنجا به منظور شناساندن ایران به دانشمندانی که در آن زمان در ترکیه اجتماع کرده بودند سخنرانی کند. متأسفانه دو نفر از همکاران وی که به ترکیه رفته بودند هر یک به علتی از مسئولیت شانه خالی کردند و کار کنفرانس ده روزه که باید به زبان انگلیسی و برای دانشمندان خارجی ایراد شود کلاً بر دوش دکتر معین افتاد. وی شب و روز به این کار ادامه داد به طوری که حتی شبانه روز فرصت یک استراحت چند ساعته هم نیافت.

سرانجام دکتر معین پس از اتمام کنفرانس و موفقیت چشمگیر آن در روز هشتم آذر ۱۳۴۵ به تهران بازگشت و از آنجا که عاشق کار خویش بود، بدون هیچگونه استراحتی فردای آن روز در حالی که احساس سردرد مختصری می کرد با تنی خسته روانه دانشگاه شد تا تدریس را ادامه دهد. گویا مقارن ظهر بود که در اتاق استادان گروه ادبیات فارسی در حالی که می خواست موافقت خود را با تقاضای یکی از دانشجویان دکتر اعلام کند، به زمین افتاد و بیهوش شد.

بلافاصله وی را به بیمارستان آریا منتقل و در آنجا بستری کردند. وی با وجود کسالتی که داشت تا چند روز قادر به صحبت بود. بعد از معاینات و مشاهده ضایعه مغزی بنا بر آن شد که از مغز وی عکسبرداری شود و برای این که عکس درست گرفته شود بایست مغز را به وسیله نوعی تزریق رنگین می کردند. به همین دلیل تزریقی در ناحیه گردن انجام دادند که با کمال تأسف بر اثر بی دقتی در آزمایش، از همان روز دکتر معین به حالت اغماء فرو رفت.

سعی پزشکان ایرانی به جایی نرسید. بنا بر این از شوروی دو پرفسور جراح مغز و از انگلستان پنج تن بر بالین وی حاضر شدند ولی پس از معاینات اعلام داشتند که ضایعات مغزی شدید است. دکتر معین دیگر هرگز لب به سخن نگشود.